**جلسه 97**

**دو‌‌شنبه - 04/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مسئله نه بود که صاحب عروه فرمود: یستحب التعجیل فی الصلاة فی وقت الفضیلة و فی وقت الاجزاء بل کل ما هو الاقرب الی الاول یکون افضل الا اذا کان هناک معارض کانتظار الجماعة.

صاحب عروه همین مطلب را که بحث تزاحم بین وقت فضیلت و ادراک جماعت هست، در مسئله سیزده هم مطرح کرده. می‌‌گوید: قد مر ان الافضل فی کل صلات تعجیلها و یستثنی من ذلک موارد، تا می‌‌رسد‌، می‌‌گوید: السادس انتظار الجماعة اذا لم یفض الی الافراط فی التاخیر، می‌‌گوید استثناء می‌‌شود از استحباب درک فضیلت وقت این‌که انسان انتظار جماعت بکشد، اما به شرط این‌که منجر به افراط در تاخیر نماز نشود.

این یک مطلبی است که باید بحث کنیم. مرحوم آقای حکیم فرموده است حتی اگر منجر به افراط در تاخیر نماز از وقت فضیلت بشود، انتظار نماز جماعت افضل است.

مشکل این است که اگر ما علی القاعدة بحث کنیم، قطع نظر از روایت جمیل بن صالح که داشت: امام یؤخر قلیلا، از اول وقت مختصری تاخیر می‌‌اندازد برای این‌که مامومین بیایند نماز جماعت بخواند که این مختص امام است و تاخیر یسیر هم فرض شده است و لذا ما باید علی القاعدة بحث کنیم. چون هم مورد این روایت تاخیر یسیر از طرف امام جماعت است و از طرف دیگر سندش هم که اشکال داشت.

[سؤال: ... جواب:] ممکن است امام افضل باشد تاخیر بیندازد که امام جماعت بشود عده‌ای اقتداء بکنند اما ماموم افضل این است که اول وقت نماز بخواند. ... احتمال خصوصیت که می‌‌دهیم در امام. چون در معرض این است که جمع کثیری به او اقتداء بکنند. وانگهی موردش هم که عدم تاخیر زیاد هست.

علی القاعدة که بحث می‌‌کنیم مرحوم آقای خوئی فرمود که ما معتقدیم اگر انتظار نماز جماعت منجر به فوت وقت فضیلت بشود، ‌اینجا وقت، ‌مقدم است. که آقای سیستانی مشابه این را دارند که وقت فضیلت بر نماز جماعت مقدم است. آن وقت این را ضمیمه کنید به این‌که وقت فضیلت نماز عشاء بعد از ذهاب حمره مغربیه است، حدودا پنجاه دقیقه بعد از اذان مغرب وقت فضیلت نماز عشاء است، و اتفاقا صاحب عروه در مسئله سیزده یکی از استثنائات استحباب درک اول وقت را می‌‌گوید: الحادی عشر العشاء تؤخر الی وقت فضیلتها و هو بعد ذهاب الشفق، بعد ادامه می‌‌دهد:‌ بل الاولی تاخیر العصر الی بلوغ الظل مثله، آن وقت معنایش این است که این نماز جماعت‌هایی که الان برگزار می‌‌شود، ‌نماز مغرب را بخوانیم با امام، اما افضل این است که عشاء را تاخیر بیندازیم تا ذهاب حمره مغربیه مگر یک امامی پیدا کنیم مثل خودمان‌ که وقت ذهاب حمره مغربیه نماز عشاء بخواند.

بالاتر بگویم: اگر ما بگوییم که وقت فضیلت نماز ظهر طبق آن روایت صحیحه، موقعی است که سایه دو هفتم شاخص بشود و وقت فضیلت نماز عصر آن وقتی است که سایه چهار هفتم شاخص بشود، قبل از آن، فضیلت ندارد نماز ظهر یا نماز عصر که مفاد آن روایت بود که: القدم و اربعة اقدام ثواب جمیعا، آن وقت معنایش این است که نماز ظهر و عصر هم عملا جماعتش تأویل مصدر می‌‌رود، طرف می‌‌گوید و لو بخاطر این‌که حال ندارد نماز جماعت بخواند می‌‌گوید آقا! افضل این است که ما وقت فضیلت نماز ظهر را درک کنیم که موقعی است که سایه به حد دو هفتم شاخص برسد، ‌وقت فضیلت نماز عصر هم موقعی است که سایه به حد چهار هفتم شاخص برسد، این امام جماعت‌ها که مراعات نمی‌کنند که. یا دیگه این مسلم است که نافله عصر مانع از این است که فضیلت داشته باشد مبادرت به نماز عصر. طرف می‌‌گوید که خب من نمی‌رسم نافله عصر را بخوانم، ‌سریع امام جماعت بعد از نماز ظهر بلند می‌‌شود نماز عصر می‌‌خواند، آن وقت عملا نافله عصر من، ‌قضاء می‌‌شود، یا حتی نافله ظهر، تا اذان می‌‌گویند امام بلند می‌‌شود نماز ظهر می‌‌خواند، ‌من نمی‌توانم نالفه ظهر بخوانم. نادر است امام جماعت‌هایی که مقیدند نافله ظهر بخوانند، نافله عصر بخوانند. یک مورد ما سراغ داریم؛ بیشتر ما سراغ نداریم. شاید باشد. آن وقت می‌‌دانید معنای این حرف این است که رعایت درک فضیلت وقت مانع بشود از ادراک نماز جماعت، ‌صبح‌ها که آقا شک می‌‌کند که وقت داخل شده یا نه، می‌‌گوید: احتیاط می‌‌کنم، یک ده دقیقه‌ای تاخیر می‌‌اندازم، در لیالی مقمره هم بیست دقیقه‌ای الی نیم ساعت تاخیر می‌‌اندازم، نماز جماعت شرکت نمی‌کنم، ظهرش هم که این‌جوری می‌‌شود، عصرش هم این‌جور می‌‌شود، عشائش هم که آن‌جور می‌‌شود، بهانه خوبی است برای ترک نماز جماعت. خود این یک شبهه‌ای است.

آقای حکیم خیال‌ها را راحت کرده. فرموده که آقا! آنقدر نماز جماعت ثوابش در روایات زیاد است که فدای سرتان، اگر یک امام جماعتی است، می‌‌گوید ببین! من ساعت شش بعدازظهر نماز می‌‌خوانم، زودتر نمی‌خوانم، ‌شما هم بگویید خب الحمدلله، ما که امام جماعت در این روستا، در این منطقه امام جماعت عادلی غیر از این آقا نداریم، این آقا هم که می‌‌گوید من شش زودتر نماز ظهر و عصرم را نمی‌خوانم، آقای حکیم می‌‌گوید خب چه بهتر، تاخیر بینداز تا آن موقع. چرا؟ چون روایات ثواب نماز جماعت را خیلی رویش تاکید کرده.

ما این را بررسی کنیم. ما راجع به ثواب نماز جماعت ببینیم چقدر است، ‌ثواب ادراک وقت فضیلت ببینیم چقدر است، کدام‌ها بیشتر ثواب داره، خب معلوم می‌‌شود او اهم است دیگه، او افضل است. در واجب و مستحب نمی‌شود گفت اگر ثواب مستحب مثلا این مقدار باشد، ثواب واجب باید بیشتر از آن باشد. نه. ممکن است چون واجب است، وظیفه است، ثوابش کمتر باشد. و لذا می‌‌گویند جواب سلام ثوابش کمتر از خود بدء به سلام است با این‌که جواب سلام واجب است، بدء به سلام، مستحب. آن را می‌‌گویند وظیفه‌ات بوده؛ جای تشکر ندارد. حالا خدا دیگه چون رئوفٌ رحیم، حالا ثوابی می‌‌دهد که شما وقتی به شما گفتند سلام کردند شما جواب دادی، اما آنی که بدء به سلام کرد، ‌نه، او ثوابش خیلی بیشتر است. اما در مستحبات، ‌عرفی نیست که مستحب افضل ثوابش کمتر باشد از مستحب مفضول. مستحب افضل ثوابش باید بیشتر باشد به تناسب افضل بودن آن مستحب. حالا اگر آمد نماز جماعت ثوابش بیشتر شد از درک فضیلت وقت، معلوم می‌‌شود که درک جماعت اهم است و می‌‌شود کلام آقای حکیم.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره فی حد ذاته می‌‌گوید جماعت این مقدار فضیلت دارد.

حالا نفرمایید من رجائا اول وقت نماز فرادی بخوانم، ‌بعد نماز جماعت هم شرکت می‌‌کنم و لو آن نماز جماعت از باب صلات معادِ جماعتا مستحب است و ثواب دارد.

بر فرض آن استحباب نماز جماعت شامل این نمازی بشود که قبلا فرادی خواندی با علم به این‌که بعدا جماعتی برگزار می‌‌شود و شرکت می‌‌کنی، ‌بر فرض اطلاق داشته باشد، ‌حالا فرض بگیرید که این آقا می‌‌گوید من حال ندارم دو تا نماز بخوانم، ‌یکی از این دو نماز را می‌‌خواهم بخوانم، ‌فقط شما به عنوان فقیه به من بگویید کدام‌ها افضل است، برای من تعیین تکلیف نکنید که بهتر است هر دو نماز را بخوانید، ‌نخیر، نمی‌خواهم بخوانم، ‌یک نماز می‌‌خواهم بخوانم بگویید کدام‌ها افضل است. آقای حکیم فرموده خب انتظار جماعت افضل است دیگه.

[سؤال: ... جواب:] نه، عرفی نیست که مستحب افضل... احتمال عقلی هست که یک چیزی مستحب افضل است ولی چون رغبت نوعیه به سمتش هست، خیلی نیاز نیست ثوابش را چرب کنند. مثلا در روایت هست استحباب اتیان نساء در اول ماه رمضان‌ که در روایات می‌‌گوید مستحب است، دیگه مردم را همین که تحریم نکنند، ‌خودشان داعی نفسانی دارند، حالا بیایند ثواب هم به آنها بدهند، خب یک کمی به آنها ثواب می‌‌دهند اما بعضی کارها رغبت نوعیه به طرفش نیست، مثل آن قطعه خبزی که در مکان غیر نظیف پیدا شد که امام او را شستند، در روایت داریم، و به عبدشان دادند، ‌فرمودند من می‌‌روم برای تطهیر، بر می‌‌گردم این را بخورم، ‌آمدند دیدند عبدشان آن قطعه خبز را خورده، ‌حضرت فرمود تو آزادی، ‌این قطعه خبز وارد شکم کسی نمی‌شود مگر این‌که اهل بهشت است. خب او برای این‌که رغبت نوعیه نیست که آدم قطعه خبزی که در مکان قذر پیدا شده، بخورد. این را، ثوابش را خیلی می‌‌کنند. ما حرفی نداریم. امکان ثبوتی دارد. اما این‌که بیایند مثلا بگویند نماز جماعت این مقدار ثواب دارد، صد درجه ثواب دارد، نماز در وقت فضیلت پنجاه درجه ثواب دارد مثلا، بعد بگوییم ولی نماز در وقت فضیلت افضل است، آخه نکته عرفیه ندارد که. اگر افضل است پس چرا پنجاه درجه به آن، ثواب می‌‌دهید، نماز جماعت که غیر افضل است نسبت به او صد درجه ثواب می‌‌دهید؟ این عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] حالا این‌که شما می‌‌فرمایید با واجبات انسان بیشتر نزدیک به خدا می‌‌شود، آنی که داریم که: لاقربة للنوافل اذا اضرت بالفرائض. ... حالا اگر نوافل و فرائض با هم بود چطور؟ خب تقربش بیشتر است دیگه. معلوم است کسی که فرائض را ترک کند، نوافل را انجام بدهد، ‌او نزدیک شدنش به خدا کمتر است از کسی که فرائض را انجام می‌‌دهد، می‌‌گوید حال ندارم نوافل را انجام بدهم. شما فرض کنید فرائض فقط یا فرائض و نوافل معا. این‌جور حساب کنید! بحث ما در این است که دو تا مستحب است، یکی ثوابش بیشتر از دیگری است، ‌آیا این ظهور عرفیش این نیست که اینی که ثوابش بیشتر است افضل است که عند التزاحم او را انتخاب کنیم؟ ظاهرش این است دیگه.

روایت جماعت را اول ببینم! روایات جماعت، صحیحه عبدالله بن سنان دارد: الصلاة فی جماعة تفضل علی کل صلاة الفرد باربع و عشرین درجة تکون خمسا و عشرین صلات. هر نماز جماعتی بیست و پنج برابر نماز فرادی است. تفضل علی کل صلاة الفرد باربع و عشرین درجة تکون خمسا و عشرین صلات. اگر نماز فرادی پله اول است، نماز جماعت پله بیست و پنجم است که فرق‌شان چقدر می‌‌شود؟ بیست و چهار پله دیگه. تفضل علی کل صلاة الفرد باربع و عشرین درجة.

این روایتی است که سندش تمام است.

روایات دیگری هم داریم که سندش ضعیف است ولی گفته می‌‌شود که اخبار تسامح در ادله سنن می‌‌گوید که هر چی ثواب و لو در حدیث ضعیف رسید، أوتی ذلک الثواب و ان لم یکن کما بلغه، و ما در نماز جماعت روایاتی داریم و لو سندا اشکال دارد، ‌اما خیلی ثواب ذکر کرده.

[سؤال: ... جواب:] ثواب بیشتر است. ... تقریب بیان این بود که ثواب بیشتر. ... خیلی هم زیاد نیست این روایات ضعیفه.

ببینید! یکی حدیث مناهی است که سندا ضعیف است: حسین بن زید عن شعیب بن واقد، روایت این است که می‌‌گوید که: من مشی الی مسجد یطلب فیه الجماعة کان له بکل خطوة سبعون الف حسنة و یرفع له من الدرجات مثل ذلک، هر گامی که بر می‌‌دارد به سمت مسجد برای نماز جماعت، هفتاد هزار ثواب برایش می‌‌نویسند. خب خیلی می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] بله، این روایت در مورد مسجد است.

روایت تحف العقول که بعضی‌ها می‌‌گویند سند احادیث تحف العقول معتبر هست چون ابتداء تحف العقول، ابن شعبة حرانی می‌‌گوید که خلاصه تلقی کنید و قبول کنید ما نقله الثقات عن الائمة السادات علیهم السلام. گفتند این معنایش این است که این اخبار را می‌‌خواهد بگوید اخبار ثقاتند. که ما البته مناقشه کردیم. ولی بهرحال این روایت این است: فضل الجماعة علی الفرد لکل رکعة الفا رکعة، ‌دو هزار رکعت هست هر رکعت جماعتی فضلش نسبت به رکعت فرادی.

مرحوم صاحب عروه در فضیلت نماز جماعت دو تا روایت دیگر ذکر می‌‌کند. یک روایت، روایت محمد بن عمارة است که توثیق ندارد. ارسلت الی الرضا علیه السلام أسئله عن الرجل، خوب دقت کنید! یصلی المکتوبة وحدة فی مسجد الکوفة افضل أو صلاته مع جماعة؟ نماز در مسجد کوفه افضل است یا نماز در غیر مسجد کوفه با جماعت؟ فقال علیه السلام الصلاة فی جماعة افضل، نماز در جماعت در غیر مسجد کوفه افضل است از نماز فرادی در مسجد کوفه.

صاحب عروه می‌‌گوید این را داشته باشید، بعد بروید سراغ نماز مسجد کوفه، ببینید نماز مسجد کوفه چقدر فضیلت دارد، آن وقت نماز در مسجد کوفه، فضیلتش خیلی زیاد است، آن وقت نماز جماعت در غیر مسجد کوفه از او افضل باشد، دیگه ببینید چی می‌‌شود؛ نماز جماعت چیه؟!

[سؤال: ... جواب:] بحث ما در این است که ثواب نماز جماعت ببینیم چقدر است، بعد برویم سراغ نماز در وقت فضیلت، ببینیم او چقدر ثواب دارد، مقایسه کنیم. ما که نمی‌گوییم روایات مقایسه کرده بطور مستقیم. ما می‌‌خواهیم مقایسه کنیم.

نماز جماعت در غیر مسجد کوفه افضل از نماز فرادی در مسجد کوفه است. آن وقت نماز در مسجد کوفه چقدر فضیلت دارد؟ روایت این است، روایت هارون بن خارجة: ان الصلاة المکتوبة فیه، ‌یعنی در مسجد کوفه، لتعدل بألف صلات، یک نماز فریضه در مسجد کوفه برابر است با هزار نماز فریضه در غیر مسجد کوفه، ‌و ان النافلة فیه لتعدل بخمس مأة صلات و ان الجلوس فیه بغیر تلاوة و لا ذکر، افراد بی حال مثل ما این ذیل را خوب یاد بگیرند، و ان الجلوس فیه بغیر تلاوة و لا ذکر لعبادة و لو علم الناس ما فیه لأتوه و لو حبوا.

[سؤال: ... جواب:] در سند این روایت سهل بن زیاد است و محمد بن عبدالله بن خراز که او هم توثیق ندارد.

صاحب عروه می‌‌گوید ببینید! مسجد کوفه نماز فریضه در او برابر است با هزار نماز فریضه در غیر مسجد کوفه، آن وقت نماز جماعت در غیر مسجد کوفه در این نماز در مسجد کوفه افضل است. ببینید! چقدر نماز جماعت فضیلت دارد.

این هم استدلال صاحب عروه.

استدلال دوم صاحب عروه را هم بگوییم. به روایت دیگری هم ایشان استدلال می‌‌کند که این روایت، معروف است، ‌در رساله‌ها هم هست که در مستدرک الوسائل آمده که خلاصه همان ‌که می‌‌گوید اگر دو نفر باشند در نماز جماعت، هر رکعتی صد و پنجاه نماز حساب می‌‌شود، کتب الله لکل واحد بکل رکعة مأة و خمسین صلات، ‌برای هر رکعتی صد و پنجاه نماز، نگفت صد و پنجاه رکعت می‌‌نویسد، صد و پنجاه نماز. که حداقل نماز دو رکعت است دیگه، عملا می‌‌شود سیصد، ‌هر رکعتی می‌‌شود سیصد رکعت.

[سؤال: ... جواب:] این‌جور است، روایت دارد دیگه. لکل واحد بکل رکعة مأة و خمسین صلات.

تا می‌‌رسد به ده تا. ده تا که شد، کتب الله لکل واحد منهم بکل رکعة سبعین الفا و الفین و ثمان مأة صلات، هفتاد و دو هزار و هشتصد نماز. حالا اگر از ده تا تجاوز کنند، بشود یازده تا، فان زادوا علی العشرة فلو صارت السمٰوات کلها قرطاس و البحار مدادا و الاشجار اقلاما و الثقلان مع الملائکة کتابا لم یقدروا ان یکتبوا ثواب رکعة. اینقدر ثواب دارد جماعت. بعد فرمود در این روایت که تکبیرة یدرکها المؤمن مع الامام خیر من ستین الف حجة و عمرة.

صاحب عروه این را هم مطرح می‌‌کند. لابد طبق تسامح در اخبار سنن، ‌این هم می‌‌گوید من بلغه ثوابٌ علی عملٍ که حدیث هم نبوی است، من بلغه عن النبی هم که در روایت است، دیگه این قدر متیقنش است، من بلغه عن النبی ثواب علی عمل فعمله اوتی ذلک الثواب و ان لم یکن کما بلغه.

[سؤال: ... جواب:] این روایت اصلا سند ندارد. در مستدرک الوسائل نقل می‌‌کند. مستدرک الوسائل جلد شش، صفحه 443 از شهید ثانی. ولی اخبار تسامح که طبق نظر مشهور می‌‌گیردش.

این راجع به فضیلت نماز جماعت.

به نظر ما همان روایت بیست و پنج برابر سندش معتبر بود. و الا این روایات که خب اولا سند ندارد، اخبار تسامح در ادله سنن را هم ما دلیل بر حجیت خبر ضعیف نمی‌دانیم. بله، دلیل بر اعطاء ثواب می‌‌دانیم و لکن مشروط است به جایی که، و انصراف دارد از جایی که خبر معتبر معارض داشته باشد؛ اینجا خبر معتبر معارض داریم. خبرهای معتبر گفت: نماز جماعت بیست و پنج برابر نماز فرادی است. نه دو هزار برابر. خبر ضعیف گفت: دو هزار برابر.

[سؤال: ... جواب:] نه. این ظاهرش این است که می‌‌خواهد ترغیب کند به نماز جماعت، ‌بیست و پنج برابر شد نماز جماعت از نماز فرادی. وقتی خبر معتبر این را گفت، ‌یک خبر ضعیف گفت: دو هزار برابر، این انصراف دارد اخبار من بلغ از او.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که آن خبر صحیح است، این خبر، ضعیف است. خبر صحیح گفت بیست و پنج برابر، ‌خبر ضعیف گفت دو هزار برابر. ... فرق است بین جایی که امکان اطلاق و تقیید باشد، مثل این‌که ثواب زیارت امام حسین حج است، خب این جنس حج را می‌‌گوید، نمی‌گوید یک حج... متوجه هستم، جنس حج است، ‌بعد جای دیگر توضیح می‌‌دهد، می‌‌گوید هزار حج. اما اینجا عدد را مشخص کرد در هر دو حدیث. یک حدیث می‌‌گوید بیست و پنج برابر و یک حدیث می‌‌گوید دو هزار برابر و این حدیثی که می‌‌گوید دو هزار برابر سندش ضعیف است.

هذا با غمض عین از این‌که بعضی مثل آقای سیستانی و آقای زنجانی می‌‌گویند انصراف اخبار من بلغ با قرائنی که ذکر می‌‌کنند، حالا آقای زنجانی قبلا این‌جور می‌‌گفتند، آقای سیستانی که در کتاب‌شان است که جایی است که بلغ خبر صحیح. نه بلغ خبر و لو کان ضعیفا. البته آقای زنجانی ظاهرا از این اشکال عدول کردند، ‌گفتند تعبیر در برخی از روایات، عنوان من بلغ نیست و من سمع هست، من سمع اطلاقش خبر ضعیف را هم می‌‌گیرد.

ما این اشکال را جواب دادیم. این اشکال که من بلغ شامل خبر ضعیف نمی‌شود را جواب دادیم و اشکال آقای سیستانی را هم جواب دادیم که می‌‌گفت در روایات گفت من بلغه شیء من الثواب علی شیء من الخیر، پس باید خیر بودن محرز باشد، ‌خب این اشکال اگر وارد باشد که به نظر ما وارد نیست چون خطابات مطلق داریم، ‌اینجا خیر بودن نماز جماعت که مسلم است دیگه، ‌اینجا که ما مشکل نداریم، اشکال آقای سیستانی اینجا نمی‌آید.

عمده اشکال همین است که عرض کردم. ما از اخبار تسامح در ادله سنن، حجیت خبر ضعیف را نفهمیدیم. بلوغ ثواب منشأ اعطاء این ثواب می‌‌شود، این را قبول داریم، ‌اما اولا: انصراف دارد از این جایی که خبر صحیح ثواب مباین با آن را بگوید. بگوید بیست و پنج برابر است نماز جماعت نسبت به نماز فرادی.

ثانیا: اعطاء ثواب تفضلی برای ترغیب مردم بر اساس اخبار تسامح در ادله سنن، افضلیت فقهیه درست نمی‌کند. افضلیت فقهیه باید دلیلی داشته باشد معتبر که بگوید این فعل ملاکا از آن فعل افضل است. حالا یک خبر ضعیفی نسبت به آن فعل دوم ثواب زیادی را گفت، اما شاید این ثواب تفضلی و ترحمی است، نه این‌که آن فعل دوم افضل است. پس فقیه نمی‌تواند بگوید آن فعل دوم افضل است.

و اما آن روایت مسجد کوفه غیر از ضعف سند، معارض هم دارد، چون در روایت داریم، ‌در یک روایت دیگر که در سندش البته محمد بن سنان هست، می‌‌گوید الصلاة فی مسجد الکوفة فرادی افضل من سبعین صلات فی غیره جماعة. در مقابل آن روایت که می‌‌گفت، الجماعة افضل عن الصلاة فی مسجد الکوفة که روایت معاویة‌ بن عمارة بود که او هم ضعیف السند بود، در مقابلش روایت محمد بن سنان است که فقط مشکلش محمد بن سنان است، دارد که: نماز فرادی در مسجد کوفه افضل است از هفتاد نماز جماعت. و لذا این معارضش است.

حالا ما همان بیست و پنچ برابر نماز جماعت را از نماز فرادی بگذاریم یک طرف، بعد برویم سراغ روایات فضیلت وقت. که راجع به وقت فضیلت ثواب معینی نداریم؛ مجمل است. مسلم ثواب دارد، ‌اما چقدر ثواب دارد؟ در روایات ما پیدا نکردیم.

اما این را دقت کنید که گاهی انتظار جماعت وقت فضیلت را که می‌‌سوزاند، هیچ، داخل می‌‌کند مکلف را در آن روایاتی که می‌‌گوید من اخّر الصلاة الی کذا فذلک المضیّع. کسی که نمازش را از چهار هفتم شاخص تاخیر بیندازد، ‌نماز ظهرش را، نماز عصرش را از شش هفتم شاخص تاخیر بیندازد فذلک المضیع. این جناب آقای حکیم! غیر از بحث ثواب فضیلت است، اینجا تزاحم بین نماز جماعت و تضییع نماز است.

تامل بفرمایید! ان‌شاءالله این بحث را بعدا ادامه می‌‌دهیم.